

کارکردها و آثار دین در حوزه رفتاری از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)

مرتضی سیاح شعاع^۱

زهره حجازی پور^۲

زینب سیاح شعاع^۳

چکیده

دین از مهم‌ترین مسأله‌هایی است که در زندگی انسان و در تمامی شوون وجودی او اثر می‌گذارد. این تأثیر در ساحت رفتاری افراد جامعه آثار و نتایج بی‌شماری از خود بر جای گذاشته است. در دهه‌های اخیر بحث در مورد جامعه‌شناسی دین و نقش دین بر رفتار افراد جامعه، مورد تضارب آرای متفکران اسلامی و جامعه‌شناسان غیر اسلامی قرار گرفته و تبدیل به یک چالش در میان جامعه‌شناسان شده است که باید از نظر آنان مورد بررسی قرار گیرد. از آن‌جا که علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) یکی از متفکران اسلامی در این زمینه هستند، هدف از نوشتن این مقاله بررسی نظرات ایشان در این زمینه است. روش تحقیق در این نوشتار روش کتابخانه‌ای بر مبنای نظرات علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) است. نتایج حاصله این را نشان داده است که علامه، نگاهشان به دین به عنوان پدیده این دنیایی نیست و برای آن برخلاف برخی از متفکران غربی، منشأ مادی و دنیایی قائل نیستند، بلکه منشأ دین را الهی دانسته‌اند. ایشان معتقدند که عزت نفس، نهی از فحشاء و منکر، ظلم ستیزی، تأکید بر حفظ حریم افراد، جامعیت در دعوت به حق، دین و نظارت بر رفتار افراد جامعه از جمله کارکردهای دین هستند که بر ساحت رفتاری انسان تأثیر گذار هستند.

کلید واژه‌ها: دین، رفتار، علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، کارکرد

^۱. استاد راهنما، استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، گرایش علوم عقلی.

^۲. طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم.

^۳. طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم.

دین مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد (جوادی آملی، 1390، ص 27). به اعتقاد علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) عنصر مشترک ادیان مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای رفتاری است که به نوعی جهان بینی استوار است مبنای این نظریه این است که انسان به زندگی اجتماعی نیازمند است چنان که زندگی اجتماعی نیز به دستور العمل‌های ویژه‌ای کنند نیاز دارد که مبنای نظام اجتماعی بشر باشد خواه این دستور العمل‌ها را خود وضع یا از دیگری بپذیرند. از سوی دیگر بایدها و نبایدهای رفتاری از نوع شناخت و اعتقاد انسان درباره واقعیت خود و جهان سرچشمه می‌گیرد بنابراین مجموع شناخت و اعتقاد انسان درباره جهان و دستورالعمل‌های متناسب با آن «دین» نامیده می‌شود. تفاوت میان ادیان به تفاوت‌های اعتقادی و دستورالعمل‌های مبتنی بر آن باز می‌گردد (ربانی گلپایگانی، 1392، ص 42). دین یا حق است یا باطل و یا آمیخته‌ای از حق و باطل می‌باشد که به آن دین التقاطی می‌گویند اما دین حق دینی است که عقاید، اخلاق، قوانین و مقررات آن از طرف خدا نازل شده و دین باطل، دینی است که از ناحیه غیر خداوند تنظیم و مقرر شده باشد (جوادی آملی، 1378، ص 111-112). دین می‌تواند، در همه‌ی عرصه‌ها حضور مؤثر و فعال داشته باشد و بشر را سعادتمند سازد و این حضور سبب محدود شدن حوزه عاطفی انسان نیز نخواهد شد. علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) درباره تاثیر دین بر حوزه رفتاری انسان معتقدند که دین، دستور می‌دهد که در زندگی به کارهایی که خیر و صلاح خود و جامعه ما در آن است، دست بزنیم و از کارهایی که فساد و تباهی به بار می‌آورد، دوری کنیم.

تاکنون پژوهش مستقل و یک‌پارچه درباره کارکردهای دین بر حوزه رفتاری انسان از نگاه علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) انجام نشده؛ به گونه‌ای که تنها به این موضوع پرداخته باشد. اما به صورت پراکنده و نامنظم در آثار مختلف پژوهشی این بحث دیده می‌شود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

1. اوجاقی در مقاله دین و تأثیر آن بر رفتار اخلاقی بر این باور است که رابطه میان دین و اخلاق را می‌توان از جهات گوناگون مورد بررسی قرار داد. یکی از این وجوه بررسی رابطه اخلاق و دین به لحاظ رفتاری است. سؤال این است که آیا دین تأثیری بر انجام عمل اخلاقی دارد یا خیر. در این مورد دیدگاه‌های مخالف و موافقی وجود دارد. مخالفان معتقدند که صرف تصدیق الزامات اخلاقی برای انجام عمل اخلاقی کفایت می‌کند و دیگر نیازی به دین برای این کار وجود ندارد. در مقابل، موافقان معتقدند که به دلایل متعددی رفتار اخلاقی وابستگی‌هایی به دین و اعتقادات دینی عامل اخلاقی دارد.

2. رجبی نیا در کتاب اسلام و زیبایی‌های زندگی بدین نتیجه دست یافت که مؤلفه‌های ساحت عاطفی و معرفتی، زمینه و علت بروز مؤلفه‌های رفتاری، و الگوهای عملکرد شمرده می‌شوند. اگرچه تقسیم و تبیین سه ساحت مذکور و مشهور روش مفیدی است، به آن معنا نیست که هریک از ساحت‌ها و طبقات به طور کامل از هم مجزا هستند. از سوی دیگر، «زندگی جز به دین داری نیست». آنچه مهم است اینکه کنش‌های اساسی دین یا فواید و آثاری که دین داری به طور طبیعی بر این سه ساحت اساسی دارد، حوزه‌های فرعی را نیز پوشش می‌دهد.

مقاله حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) اسلام با چه کارکردهایی می‌تواند رفتار افراد جامعه را تحت شعاع خود قرار دهد تا سعادت مادی و معنوی افراد جامعه تأمین نماید؟ و برای پاسخ به پرسش یاد شده عزت نفس، نهی از فحشاء و منکر، ظلم ستیزی، تاکید بر حفظ حریم افراد، ایجاد روحیه تعاون و همکاری، استوار ساختن میثاق‌ها و پیمان‌ها، جامعیت در دعوت به حق و نظارت بر رفتار افراد جامعه از جمله کارکردهای دین بر رفتار انسان را بررسی می‌کند.

۱. مفهوم شناسی

در این نوشتار برخی واژه‌ها که بسیار به کار رفته‌اند ممکن است معنا مشخص نداشته باشند و یا معنا مورد نظر فهم شود از این رو به مفهوم شمناسی پرداخته می‌شود.

1-1. دین

یکی از اموری که لازم است به عنوان مبادی بحث مطرح شود، تعریف دین در لغت و اصطلاح متفکران، و استعمالات آن در آیات و روایات است که پژوهش حاضر به آن می‌پردازد.

دین در لغت: دین در لغت به معنای طاعت، پیروی، تسلیم، جزاء، عادت و حکم آمده است (ابن منظور، 1414، ماده دین). درباره‌ی معنای لغوی این کلمه، دو دیدگاه وجود دارد؛ برخی آن را توجه و عنایت و مواظبت دانسته‌اند. و به اعتقاد برخی دیگر معنای آن ربط دادن و به هم پیوستن است (ربانی گلیپایگانی، 1385، ص 65).

تعریف عام دین: دین عبارت است از مجموعه‌ی اعتقادات، درباره‌ی حقیقت انسان و جهان و مقررات متناسب با آن که در مسیر زندگی مورد عمل قرار می‌گیرد» (طباطبایی، 1381، ص 256). به گفته استاد جوادی آملی، دین مکتبی است که از مجموعه‌ی، عقائد، اخلاق و قوانین و مقررات اجرائی تشکیل شده است و هدف آن، راهنمایی انسان برای سعادت‌مندی است (جوادی آملی، 1389، ص 24). هم‌چنین علامه مصباح یزدی (رحمة الله علیه) نیز دین را این گونه تعریف نموده‌اند: «دین عبارت است از اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید می‌باشد» (مصباح یزدی، 1378، ج 1، ص 5). البته باید توجه داشت، چنین تعریفی از قرآن نیز فهمیده می‌شود در آن جا که می‌فرماید: «من می‌ترسم دین شما را دگرگون ساخته و یا در زمین فساد انگیزد» (غافر، 26). دین به این معنا شامل ادیان حق و باطل می‌گردد.

تعریف خاص: به ادیانی که از طرف خداوند متعال به وسیله‌ی انبیاء برای بشر آورده شده است دین خاص گفته می‌شود؛ همان طور که ابن میثم بحرانی می‌گوید: «دین در اصطلاح شرعی بر شریعت‌هایی استعمال می‌شود که از جانب خداوند متعال به سبب پیامبران برای بشر آورده شده است» (بحرانی، 1375، ج 1، ص 265). هم‌چنین علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) در این باره می‌گوید: «دین، یک سلسله عقاید و دستورهای عملی و اخلاقی است که پیامبران از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند» (طباطبایی، 1387، ص 31). بنابراین تعریف مذکور تنها شامل ادیانی می‌شود که از طرف خداوند متعال نازل شده باشد. ولی با توجه به این که ادیان الهی برخی از آن‌ها از مقوله‌ی تحریف مصمون نمانده‌اند، از این رو باید تعریفی ارائه داد تا دخل و تصرفی در آن صورت نگرفته باشد.

تعریف اخص: بعضی از متفکران برای دین، تعریف دیگری ذکر نموده‌اند که در خارج فقط یک مصداق دارد؛ زیرا شرایط تعریف را دارد و از مقوله‌ی تحریف نیز مصون مانده است. همان طور که علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) می‌گویند: «دین در نگاه اندیشه وران اسلامی عبارت است از، اصول و مقرراتی که برای خدا گونه کردن انسان در تمامی ابعاد، بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد» (طباطبایی، 1381، ص 685).

بر این اساس باید توجه داشت، آیاتی از قرآن نیز، دین را در همین معنا اطلاق کرده است؛ مثل آیه‌ی اکمال که خداوند متعال می‌فرماید: «امروز است که دیگر کفار از ضدیت با دین شما مایوس شدند»¹ (مائده، 4-5) یا این آیه که می‌فرماید: «او کسی است که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا دین حق را بر همه ادیان غالب سازد و این گواهی خدا کافی‌ترین گواهی است»² (فتح، 28)؛ علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) در این زمینه قائل است که مراد از دین در آیات مذکور، دین اسلام است (طباطبایی، 1374، ج 9، ص 3). لذا در بخش برای دین تعاریف مختلفی از نظر متفکران ذکر شد؛ ولی باید توجه داشت دینی که در این پژوهش مورد بحث واقع می‌شود، اسلام است که می‌تواند در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها دارای کارکرد مثبت باشد.

1-2. کارکرد

واژه کارکرد در لغت به کنای انجام یک وظیفه آمده (مربجی، 1393، ص 5). دانشمندان علوم اجتماعی در اصطلاح جامعه شناسی برای مفهوم کارکرد بیش از همه بر سه معنای کار، وظیفه و نقش تأکید می‌ورزند و مرادشان از فونکسیون کارکرد یا وظیفه‌ای است که هر پدیده در نظام اجتماعی بر عهده دارد (توسلی، 1371، ص 217). کارکرد در اصطلاح جامعه شناختی‌اش وقتی به دین نسبت داده می‌شود، معنای عام آن را که شامل خدمات، غایات و اغراض آثار و تبعات پنهان و آشکار مقصود و غیر مقصود دین نسبت به جامعه می‌شود و قوام و بقا و تعادل آن را در پی دارد، در بر می‌گیرد؛ یعنی در حوزه دین پژوهی مقصود از کارکرد دین، مطلق خدمات و آثار دین در جامعه و افراد است (قردان قراملکی، 1382). کارکرد هنگامی که به دین نسبت داده می‌شود، به معنای این است که دین در تمام عرصه‌ها چه نقش و آثاری اعم از آشکار و پنهان می‌تواند برای بشر داشته باشد (استالی براس، بولک، 1387، ص 608).

بحث کارکرد دین، در کتاب‌های کلامی با عنوان اهمیت و فوائد بعثت انبیاء، مورد بحث واقع شده است (جوادی آملی، 1389، ص 39)؛ همان طور که از کلام خواجه نصیر الدین طوسی (رحمة الله علیه) چنین استفاده‌ای می‌شود که معتقد است: بعثت انبیاء نیکو است؛ چرا که مشتمل بر فوایدی مثل: کمک گرفتن عقل از

¹. «الْيَوْمَ يَنْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ».

². «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً».

ارزش‌ها و هنجارها می‌تواند رفتار افراد جامعه را تحت کنترل خود در آورد» (فصیحی، 1391، ص 148)؛ زیرا دین به پیروان خود می‌گوید باید توجه داشت، خداوند متعال اعمال و رفتار بندگان را تحت کنترل خود دارد: «او نگاه زیر چشمی چشم‌ها را می‌داند و از آن چه در سینه‌ها نهفته است خبر دارد»^۱ (غافر، 19). و همچنین باید توجه داشت که شما در مقابل اعمال و رفتار خود مسئول هستید و باید پاسخگو باشید.

از این رو خداوند متعال می‌فرماید: «دنبال چیزی را که بدان علم نداری مگیر که گوش و چشم و دل در باره همه این‌ها روزی مورد بازخواست قرار خواهی گرفت خداوند متعال، بر آن جامعه نعمت هایش را ارزانی می‌دارد»^۲ (اسراء، 36). همچنین دین جهت مراقبت از اعمال و رفتار بشر، بیان می‌کند که بشر نتایج اعمال و رفتار خود را در همین دنیا مشاهده می‌نماید: «اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزکاری کرده بودند برکت‌هایی از آسمان و زمین به روی ایشان می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند، و ما نیز ایشان را به اعمالی که می‌کردند مؤاخذه کردیم»^۳ (اعراف، 96). اما اگر خلاف این دستور عمل شد گرفتار قحطی، خشکسالی، جنگ و نا امنی و... می‌شوند: «خدا مثلی می‌زند، دهکده‌ای که امن و آرام بود و روزیش از هر طرف به فراوانی می‌رسید آن گاه منکر نعمت‌های خدا شدند و خدا به سزای اعمالی که می‌کردند پرده گرسنگی و ترس بر آن‌ها کشید»^۴ (نحل، 112).

علامه (رحمة الله علیه) در ذیل آیه‌ی شریفه، می‌فرماید: «خداوند متعال در این آیه به دهکده‌ای که امن و آرام بود، مثال می‌زدند که اهل آن قریه از روزی فراوان و امنیت بالایی برخوردار بودند و حتی از اطراف و اکناف با تحمل زحمات‌های طاقت فرسایی سفر نیز جهت تأمین ما یحتاج خود به آن شهر رجوع می‌کردند و همین که منکر نعمت‌های خداوند متعال شدند و دست به ناسپاسی زدند، خداوند متعال آن‌ها را به گرسنگی و ناامنی مبتلا ساخت» (طباطبایی، 1374، ج 12، ص 522).

بنابراین باید توجه داشت یکی از کارکردهای مهمی که می‌توان برای دین نام برد، به کنترل در آوردن اعمال و رفتار بشر است که بشر امروزه از چنین امری عاجز است؛ چرا که اسلام از ضمانت‌های اجرای جهت این امر برخوردار است؛ ولی قوانین امروزی از چنین امر تهی است و لذا در نظارت کردن بر رفتار افراد جامعه عاجز است.

^۱. «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ».

^۲. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا».

^۳. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».

^۴. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ».

مکتب اسلام بر خلاف سایر مکاتب، خداوند متعال را یک موجود نامحدود تعریف می‌کند. موجود نامحدود موجودی است که در سراسر هستی حضور و وجود دارد؛ قرآن می‌فرماید: «پس هر طرف که رو کنید همان جا رو به خدا دارید که خدا واسع و دانا است»^۱ (بقره، ۱۱۵). یا از امیر المؤمنین (علیه السلام) سؤال شد که پروردگارت را به چه شناختی؟ فرمود: به آن چه خودش را برایم معرفی کرده. عرض شد: چگونه خودش را به تو معرفی کرده؟ فرمود: هیچ صورتی شبیه او نیست و به حواس درک نشود و به مردم سنجیده نشود، در عین دوری، نزدیک است و در عین نزدیکی، دور (با آنکه از رگ گردن به بندگان نزدیک‌تر است، بندگان در نهایت پستی و او در نهایت علو است) برتر از همه چیز است و گفته نشود چیزی برتر از اوست، جلو همه چیز است و نتوان گفت جلو دارد. (پس بودنش بمعنی تقدم رتبه و علت بودن اوست نه جلو بودن مکانی) در اشیاء داخل است نه مانند داخل بودن چیزی در چیزی (بلکه به معنی احاطه‌ی علم و تدبیر و فیض اش به اجزاء ممکنات) از همه چیز خارج است نه مانند چیزی که از چیزی خارج باشد (بلکه به معنی شباهت نداشتنش به هیچ چیز) منزله است آن که چنین است و جز او چنین نیست، و او سر آغاز همه چیز است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۸۵).

بر این اساس حق تعالی احاطه بر عالم دارد و معیت با همه موجودات دارد «او با شما است، هر جا که باشید، و خدا به آن چه می‌کنید بینا است»^۲ (حدید، ۴). از این رو امکان ندارد که جایی فرض شود که او حضور نداشته باشد و گرنه باعث محدودیت او می‌گردد. پس حق تعالی نزدیک‌ترین شخص به همه موجودات می‌باشد؛ بلکه از خود شخص هم نسبت به خودش نزدیک‌تر است و در خلوت و جلوت ناظر بر رفتار و اعمال انسان می‌باشد و این امر سبب آرامش و مسئولیت برای بشر می‌گردد که یک نیروی ماورایی و قاهر همیشه بر او حاضر و ناظر است و هرگاه درخواستی داشته باشد تقاضای او را می‌شنود و پاسخ می‌دهد.

علاوه بر اینکه به این که جزاء اعمال به نحو ضروری و لازم لاینفک بر خود عمل مترتب می‌گردد و امکان ندارد که شخص کاری انجام دهد ولی آثار آن را نبیند؛ چون انتقام بشر یا از باب تشفی و یا از برای نظم اجتماعی است که دست سارق را قطع می‌کنند اما انتقام حق تعالی از باب انتقام طبیب نسبت به مریض است یعنی طبیب به کسی که درد معده دارد دستور به پرهیز می‌دهد، مریضی که از آن سرپیچی می‌کند خوردن همان و درد معده همان. بنابراین وقتی که حق تعالی می‌فرماید: «آنان که مال یتیمان را به ستمگری می‌خورند

^۱. «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».

^۲. «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ».

در حقیقت آن‌ها در شکم خود آتش جهنم فرو می‌برند و به زودی به دوزخ در آتش فروزان خواهند افتاد»¹ (نساء، 10).

نتیجه‌گیری

گرایش انسان به دین امری ذاتی، عمیق و ریشه‌دار است. دین نه تنها تأمین کننده بسیاری از نیازهای انسان، بلکه خود نیازی بنیادین و نهفته در ژرفای وجود آدمی است. نیاز انسان به دین، امری جاویدان و زوال‌ناپذیر است. لازمه ذاتی بودن دین‌ورزی این است که دین همچون دیگر غرایز و نیازهای ذاتی انسان هم‌پای حیات بشر بیاید و آینده بشریت را همچون گذشته درنوردد. لاجرم گسست بین انسان و دین را هرگز نمی‌توان و نباید انتظار داشت. جهان‌بینی دینی، کامل‌ترین نوع جهان‌بینی است که بشر می‌تواند به آن دست یازد؛ زیرا بدون داشتن جهان‌بینی دینی، تکامل در حوزه علم و عمل به دست نمی‌آید و انسان برای تحصیل در کمال علمی و عملی به دین نیازمند است و علت نیازمندی انسان به دین از آغاز تا پایان، همین دلیل است. فلاسفه اسلامی نیز، ضرورت دین و نبوت را براساس نیازمندی حیات اجتماعی بشر به قانونی کامل و عادلانه تبیین کرده‌اند. دین اسلام کامل‌ترین دین است و با مجموعه کارکردهایی رفتار افراد جامعه را تحت شعاع خود قرار می‌دهد تا سعادت مادی و معنوی افراد تأمین شود. از این رو مقاله حاضر کارکردها و آثار دین در حوزه رفتار از نگاه علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) را بررسی کرده و در پایان بدین نتیجه رسیده است که عزت نفس، نهی از فحشاء و منکر، ظلم ستیزی، تاکید بر حفظ حریم افراد، ایجاد روحیه تعاون و همکاری، استوار ساختن میثاق‌ها و پیمان‌ها، جامعیت در دعوت به حق و نظارت بر رفتار افراد جامعه کارکردهای دین در حوزه رفتاری انسان می‌باشد.

¹. «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا».

منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

1. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب. نشر دار الصادر، بیروت، 1414 ق.
2. استالی براس، اولیور، بولک، آلن، فرهنگ و اندیشه نو، چاپ سوم، مازیار، تهران، 1387.
3. اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، چاپ سوم، نشر مرتضوی، تهران، 1385.
4. اوجاکی، ناصر الدین، «دین و تأثیر آن بر رفتار اخلاقی»، معرفت، ش 113، 1386.
5. بحرانی، میثم بن علی بن میثم، شرح نهج البلاغه، مترجم: قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی زاده، چاپ اول، نشر آسان قدس رضوی، مشهد، 1375.
6. توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه شناسی، چاپ سوم، سمت، تهران، 1371.
7. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، چاپ ششم، نشر اسراء، قم، 1389.
8. ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی بر کلام جدید، چاپ اول، نشر هاجر، قم، 1385.
9. رجبی نیا، داوود، اسلام و زیبایی‌های زندگی: رویکرد تحلیلی و تربیتی به سبک زندگی، چاپ اول، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، 1392.
10. سلیم، غلامرضا، تعاون در متون ادبیات فارسی، مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی، تهران، ۱۳۴۷.
11. سیاح شعاع، مرتضی، کارکردها و آثار دین از نظر علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، چاپ اول، نشر ضامن آهو، مشهد، 1403.
12. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، نشر جامعه مدرسین، قم، 1374.
13. طباطبایی، سید محمد حسین، بررسی‌های اسلامی، چاپ دوم، نشر بوستان کتاب، قم، 1388.
14. طباطبایی، سید محمد حسین، تعلیم اسلام، محقق: سید هادی خسرو شاهی، چاپ اول، نشر بوستان کتاب، قم، 1387.
15. طباطبایی، سید محمد حسین، مرزبان وحی و خرد، چاپ اول، نشر بوستان کتاب، قم، 1381.
16. علامه حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی تجرید الاعتقاد، محقق: جعفر سبحانی، چاپ سوم، نشر موسسه امام صادق (ع)، قم، 1388.

17. فصیحی، امان الله، نقد تبیین کارکردی دین، چاپ اول، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، 1391.
18. قدردان قراملکی، محمدحسن، «کارکرد دین در انسان و جامعه»، قبسات، ش 28، 1382.
19. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، نشر دارالحدیث، 1429ق.
20. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، نشر دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، 1403ق.
21. مریجی، شمس الله، «بررسی تطبیقی دین و کاردهای اجتماعی آن از دیدگاه دورکیم و علامه طباطبایی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، ش 19، 1393.
22. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقائد، چاپ اول، نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، 1378.